

# رئسانس ایتالیا

---

سرشناسه: عثمان، کارن، ۱۹۵۵ – م.  
عنوان و پدیدآور: رنسانس ایتالیا/کارن اسمن؛ ترجمه مهدی حقیقت‌خواه.  
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۸۶.  
مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص: مصور.  
شابک: 978-964-311-703-0  
یادداشت کلی: فیپا.  
یادداشت: عنوان اصلی: *The Italian Renaissance*  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۲۵ – ۱۳۲.  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: رنسانس – ایتالیا.  
موضوع: رنسانس – ایتالیا – ادبیات نوجوانان.  
موضوع: ایتالیا – تمدن – ۱۲۶۸ – ۱۵۵۹ م. – ادبیات نوجوانان.  
موضوع: ایتالیا – تمدن – ۱۲۶۸ – ۱۵۵۹ م.  
شناسه افزوده: حقیقت‌خواه، مهدی، ۱۳۲۶ –  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۵ ۹۹الف/۴۴۵ DG  
رده‌بندی دیویی: ۹۴۵/۰۵  
شماره کتابخانه ملی: ۴۴۶۰۶ – ۸۵م

---

# رِئسانِ اِئالِيا

كارِن اُسْمَن

ترجمه مهدي حقيقت خواه



این کتاب ترجمه‌ای است از:

**The Italian Renaissance**

*Karen Osman*

Lucent Books, 1996



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

\* \* \*

کارن اُسمَن

رنسانس ایتالیا

ترجمه مهدی حقیقت‌خواه

چاپ سوم

۷۰۰ نسخه

۱۳۹۶

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۰ - ۷۰۳ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 703 - 0

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

*Printed in Iran*

۱۲۰۰۰ تومان

## فهرست

۶	رویدادهای مهم در تاریخ رنسانس ایتالیا
۹	پیشگفتار: پُلّی در زمان
۱۳	۱. بذرهای رنسانس ایتالیا
۲۹	۲. رنسانسِ نخستین در فلورانس
۴۱	۳. انسان‌گرایی در رنسانسِ نخستین
۵۵	۴. هنر و معماریِ رنسانسِ نخستین
۶۹	۵. رُم و تهاجم فرانسوی‌ها به ایتالیا
۸۷	۶. سه هنرمند بزرگِ رنسانسِ برین
۱۰۱	۷. رنسانسِ پسین
۱۱۵	پسگفتار: پی‌نقش
۱۱۹	یادداشت‌ها
۱۲۳	برای مطالعهٔ بیشتر
۱۲۵	آثار مرجع
۱۲۷	آثار مورد استناد
۱۳۳	نمایه

## رویدادهای مهم در تاریخ رنسانس ایتالیا

۱۳۰۰

۱۲۵۰

۱۲۰۰

۱۱۵۰

۱۱۰۰

۱۰۵۰

۱۰۰۰

۱۰۰۰-۱۲۰۰

دولت‌شهرهای مستقل و مقتدر در ایتالیا پدیدار می‌شوند.

۱۳۷۷

پاپ گرگوریوس یازدهم مقر پاپ را به رُم بازمی‌گرداند.

۱۴۳۶

کوزیمو دِ مدیچی بودجه نخستین کتابخانه عمومی ایتالیا را تأمین می‌کند.

۱۰۹۵

پاپ اوربانوس دوم مسیحیان را به شرکت در نخستین جنگ صلیبی فرا می‌خواند.

۱۳۷۸

شورش چیمپی در فلورانس.

۱۴۴۷

نیکولائوس پنجم پاپ می‌شود.

۱۳۷۸-۱۴۱۷

«شفاق کبیر» کلیسای کاتولیک رُم و اروپا را از هم جدا می‌کند.

۱۴۵۰

خانان سفورتا در میلان به قدرت می‌رسد.

۱۲۰۹

کلیسای کاتولیک جهاد بر ضد آلیگانیان را آغاز می‌کند.

۱۳۹۷

بانک مدیچی تأسیس می‌شود؛ مانوئل کریسولوراس به فلورانس می‌آید.

۱۴۵۲

لئوناردو داوینچی متولد می‌شود.

۱۲۱۰

پاپ اینوکتیوس سوم فرقه فرانسیس قدیس را به رسمیت می‌شناسد.

۱۴۱۷

مارتینوس پنجم پاپ می‌شود.

۱۴۵۳

سقوط قسطنطنیه.

۱۳۰۰

ایتالیایی‌ها بر تجارت از لندن به قسطنطنیه مسلط می‌شوند.

۱۴۲۰

ساخت کلیسای جامع گنبددار در فلورانس آغاز می‌شود؛ مارتینوس پنجم مقر پاپی یکپارچه را به رُم بازمی‌گرداند.

۱۴۵۴

نیز و میلان بر سر پیمان صلح لودی به توافق می‌رسند؛ اتحادیه ایتالیا شکل می‌گیرد.

حدود ۱۳۵۰-۱۳۰۰

ایتالیایی‌ها در بروژ، پاریس، و لندن مراکز بانکداری تأسیس می‌کنند.

۱۴۳۱

ائوگنیوس چهارم پاپ می‌شود.

۱۴۵۸

پیوس دوم پاپ می‌شود.

۱۳۱۱

مقر پاپ به آوینیون در فرانسه انتقال می‌یابد.

۱۴۳۴

کوزیمو دِ مدیچی در فلورانس به فرمانروایی می‌رسد؛ پاپ ائوگنیوس چهارم از رُم می‌گریزد.

۱۴۶۴

پاولوس دوم پاپ می‌شود.

۱۳۴۸

طاعون ایتالیا و همه اروپا را فرا می‌گیرد؛ ایتالیا ۳۵ تا پنجاه درصد جمعیتش را از دست می‌دهد.

۱۴۶۹

لورنتسو دِ مدیچی حکومت غیررسمی  
فلورانس را در دست می‌گیرد.

۱۴۹۸

ساوونارولا اعدام می‌شود.

۱۵۲۱

مارتین لوتر از طرف کلیسای کاتولیک  
تکفیر می‌شود.

۱۴۷۱

سیکستوس چهارم پاپ می‌شود.

۱۴۹۹

لویی دوازدهم پادشاه فرانسه به ایتالیا  
حمله می‌کند.

۱۵۲۲

هادریانوس چهارم پاپ می‌شود.

۱۴۷۵

میکلائجلو بوناروتی (میکلائژ) متولد  
می‌شود.

۱۵۰۳

پیوس سوم پاپ می‌شود؛ یولیوس دوم  
پاپ می‌شود.

۱۵۲۳

کلیمنس هفتم پاپ می‌شود.

حدود ۱۴۸۰

فلورانس تحت حاکمیت یک نفره  
لورنتسو دِ مدیچی دیگر جمهوری  
نیست.

۱۵۰۸

لودوویکو سفورتا در فرانسه در اسارت  
می‌میرد.

۱۵۲۷

غارث رُم.

۱۵۳۴

پاولوس سوم پاپ می‌شود.

۱۵۱۳

ماکیاولی شهریار را می‌نویسد؛ لئوی  
دهم پاپ می‌شود.

۱۵۴۵

نخستین اجلاس شورای ترانت.

۱۴۸۳

رافائل سانتی متولد می‌شود.

۱۵۱۵

فرانسیس اول پادشاه فرانسه به ایتالیا  
حمله می‌کند.

۱۵۴۶

درگذشت مارتین لوتر.

۱۴۸۴

اینوکتیوس هشتم پاپ می‌شود.

۱۴۹۲

درگذشت لورنتسو دِ مدیچی؛ الکساندر  
چهارم پاپ می‌شود.

۱۵۱۷

مارتین لوتر «۹۵ مسئله» خود را در  
ویتنبرگ عنوان می‌کند.

۱۵۶۲

آخرین اجلاس شورای ترانت.

۱۵۶۳

پایان شورای ترانت.

۱۴۹۴

شارل هشتم پادشاه فرانسه به ایتالیا  
حمله می‌کند و خاندان مدیچی را کنار  
می‌گذارد؛ ساوونارولا در فلورانس به  
قدرت می‌رسد.

۱۵۱۹

شارل پنجم امپراتور مقدس روم  
می‌شود.





### پُلّی در زمان

مردم به رُسنانس که فکر می‌کنند، به یاد نمازخانهٔ سیستین میکلانژ (میکلانجلو)، مونالیزای لئوناردو داوینچی، و تعداد زیادی نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، و ساختمان‌های عظیم دیگری می‌افتند که در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم در ایتالیا آفریده شد. گرچه این هنرمندان بزرگ و آثارشان به راستی مظهر اوج این عصرند، اما رُسنانس صرفاً انقلاب هنری نبود. در طول چندین قرن (تقریباً از ۱۳۷۵ تا ۱۶۲۵) در تمام وجوه زندگی انسان در اروپا تغییرات چشمگیری صورت گرفت. مردان و زنان عصر رنسانس شاهد بودند که در همه



یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای میکلانژ مجموعهٔ حیرت‌انگیز دیوارنگاره‌هایی است که زینت بخش نمازخانهٔ سیستین است. این دیوارنگاره خدا را در حال آفرینش خورشید، ماه، و ستارگان نشان می‌دهد. گرچه تأثیر رنسانس محدود به هنرمندان نبود، چنین شاهکارهایی مظهر اوج این عصرند.

عرصه‌ها، از روش کسب و کار مردم گرفته تا شیوه سیاست‌ورزی و اسلوب بنای خانه‌هایشان، نو دارد به سرعت جانشین کهنه می‌شود.

تمایل به ایجاد تغییرات در ایتالیا آغاز شد و به مدت حدود یک قرن (تقریباً از ۱۳۷۵ تا ۱۴۷۵) پدیده‌ای کاملاً ایتالیایی بود. از آن‌جا که ایتالیا در محل تلاقی اروپای شمالی، آفریقا، و آسیا واقع شده بود، به دیگ در هم جوش عقاید و آرای فرهنگ‌های بسیار متفاوت تبدیل شد. ایتالیایی‌ها از اروپای شمالی، به ویژه فرانسه، سبک‌های ادبی و موسیقایی را به وام گرفتند که آن‌ها را با ذوق و سلیقه خود سازگار کردند. از شرق در تماس با فرهنگی قرار گرفتند که بسیار پیچیده‌تر از فرهنگ پا گرفته در اروپا بود. اعراب در هنرهای تجسمی سبک منحصر به فردی داشتند که ایتالیایی‌ها آن را اخذ و با سبک اروپای شمالی درآمیختند تا نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، و آثار معماری‌ای بیافرینند که مشخصاً ایتالیایی بودند. دانشمندان عرب بسیار پیشرفته‌تر از همسایگان غربیشان بودند و ایتالیایی‌ها در عرصه نجوم، جغرافی، پزشکی، و ریاضیات بسیار از آن‌ها آموختند. در نتیجه این سرازیر شدن عقاید و آرا، فضای فرهنگی در ایتالیا سرزنده و پرشور و متمایل به آزمایش و تغییر بود - ویژگی‌هایی که برخی از برجسته‌ترین هنرمندان و دانشمندان زمان را تحت تأثیر قرار داد و جذب کرد. در دوره رنسانس نخستین بسیاری از نوآورترین اندیشمندان و خلاق‌ترین مجسمه‌سازان، نقاشان، و معماران یا در ایتالیا متولد یا به خاطر فرصت‌های یادگیری، آموزش، اشتغال به حرفه‌شان، و کسب بهروزی به آن‌جا کشیده شدند.

ایتالیا همچنین به سبب موقعیت جغرافیایی‌اش در دوره قرون وسطای پسین و رنسانس نخستین به مرکز ثروت تبدیل شد. این شبه جزیره، که بین شرق و غرب واقع شده است، به صورت مرکز تجارتی درآمد. کالاهای تجملی نظیر ابریشم، ادویه‌جات، عاج، و مروارید از شرق سرازیر می‌شد و از سوی بازرگان - بانکداران ایتالیایی، که با پیشرفت رنسانس ثروتمندتر می‌شدند، به اروپایی‌های شمالی فروخته می‌شد. افزون بر آن، ایتالیایی‌ها به توسعه صنایع محلی نظیر نساجی پرداختند، که ثروت باز هم بیش‌تری را برای این شبه‌جزیره به همراه آورد.

هرچند بیش‌تر پولی که بازرگانان و بانکداران ایتالیا به دست می‌آوردند باز هم در تجارت و صنعت سرمایه‌گذاری می‌شد، مقداری از آن نیز صرف پرداخت به هنرمندان و دانشمندان می‌شد. در دوره رنسانس حمایت از هنرمندان و سفارش دادن آثار بزرگ هنری و معماری به منظور بزرگ‌نمایی خانواده‌ها و شکوه و افتخار شهرهایی که در آن‌ها زندگی می‌کردند به

موضوع عرق شهری و شخصی تبدیل شد. بسیاری از خاندان‌های ثروتمند نظیر مدیچی در فلورانس از نویسندگان و دانشمندانی که طرفدار تغییرات اجتماعی و فرهنگی بودند نیز حمایت می‌کردند.

## انسان‌گرایی

برجسته‌ترین گرایش فکری مورد پشتیبانی دانشوران رنسانس انسان‌گرایی یا اومانیزم بود. انسان‌گرایی نوعی برنامه آموزش و پژوهش و گونه‌ای نگرش فلسفی بود که بر فرد و مسئولیت‌هایش نسبت به خود و جامعه تمرکز داشت. انسان‌گرایان بر این نظر بودند که وظیفه هر کس این است که در هر کاری که انجام می‌دهد برای کمال و فردیت تلاش کند. حتی مهم‌تر از آن، بسیاری از انسان‌گرایان مدعی بودند که خداوند حکم کرده است که افراد نهایت تلاش خود را بکنند که بهترین باشند. برای مثال، جیووانی پیکو دلا میراندولا، یکی از مشهورترین دانشوران رنسانس، در «خطابه‌اش در باره منزلت انسان» می‌گوید که خداوند به آدم گفت: «تو با آزادی انتخاب و با سربلندی... می‌توانی سرشت خود را به هر صورتی که می‌پسندی شکل دهی.»<sup>۱</sup> این تفویض اختیار شامل همه عرصه‌های زندگی انسان می‌شد. به مردم آموزش داده می‌شد که آن‌ها وظیفه دارند در آموزش، سیاست، کسب و کار، هنر، و صنعت نمونه باشند.

انسان‌گرایان همچنین، با ادعای این که ایتالیا محور امپراتوری‌های یونان و روم و گهواره تمدن و فرهنگ اروپای غربی بوده، مباحثات به گذشته را به ایتالیایی‌ها تلقین می‌کردند. هنرمندان و دانشوران ایتالیایی دلمشغول نوشته‌ها، فلسفه، و هنر یونان و روم باستان شدند و آن‌ها را معیار کمال به حساب آوردند، معیاری که به عقیده آن‌ها در طول قرون وسطی از دست رفته بود. دانشوران رنسانس فکر می‌کردند، با احیای روش‌ها و آموزه‌های باستانی، دارند تمدن و فرهنگ متعالی را به اروپا بازمی‌گردانند. مارسیلیو فیچینو در سال ۱۴۹۲ نوشت: «این عصر، با دستیابی به آنچه در میان مردم باستان مایه سرافرازی بود و از آن پس تقریباً به دست فراموشی سپرده شده بود،... آموزش را از تاریکی به روشنایی بازگردانیده است.»<sup>۲</sup>

یاکوب بورکهارت تاریخ‌نگار سوییسی در قرن نوزدهم کمابیش همین دیدگاه را اختیار کرد و رنسانس را عصر نوآوری، خودپایی انسان، کمال هنری، و تحول فرهنگی

تعریف کرد که نمایانگر گسست کامل از گذشته قرون وسطایی اروپای غربی و آغاز فرهنگ مدرن اروپایی بود.

گرچه اصطلاح رنسانس هنوز برای توصیف دورهٔ بین ۱۳۷۵ و ۱۶۲۵ به کار می‌رود، اما اکثر پژوهشگران امروزی نه قرون وسطی را چنان تاریک و نه تغییرات صورت گرفته را چنان ناگهانی تلقی می‌کنند. امروزه، رنسانس محصول طبیعی رشته تغییرات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی‌ای تلقی می‌شود که در دوره‌های پیشین ریشه داشتند و طی چندین قرن

شکل گرفتند. بسیاری رنسانس را نه یک رخداد بی‌همتا یا یک رشته رویدادهای درهم تنیده بلکه پلی در زمان به حساب می‌آورند که در آن یک رویداد یا محرک به رویداد یا محرک بعدی انجامید و قرن‌های بین قرون وسطی و پیدایش اروپای مدرن را در بر گرفت. سرگذشت رنسانس تاریخ این رشد و تکامل است.



پالاس [یا آتنه] و فَنطورَس [موجودی خیالی نیمه انسان نیمه اسب] اثر ساندرو بوتیچلی گرایش هنرمندان ایتالیایی را به درون مایه‌های درهم آمیختهٔ اسطوره‌ای در آثارشان نشان می‌دهد.

## بذرهای رنسانس ایتالیا

بذرهای رنسانس نخست در ایتالیا جوانه زد. این امر تا حدی از موقعیت ممتاز ایتالیا به عنوان یک مرکز تجارت بین‌المللی ناشی می‌شد. ایتالیا در انتهای جنوبی اروپا واقع شده و در دریای مدیترانه پیش رفته و از سه طرف با آب‌های قابل کشتیرانی احاطه شده است. دریای مدیترانه در جنوب، دریای آدریاتیک در شرق، و دریای تیرنه در غرب آن واقع شده است. این آبراه‌ها به ایتالیا اجازه می‌داد به مثابه یک حلقهٔ ارتباط تجاری بین اروپای شمالی و شرق ثروتمند و رازآلود عمل کند.



شهرهای منفرد در ایتالیا از قرن‌های دهم و یازدهم به دولت‌شهر تبدیل شده بودند. دولت‌شهرها مراکز تجاری جاافتاده‌ای بودند که، به سبب مزیت جغرافیایی، تجاری، یا کشاورزی، رشد کرده و با نواحی روستایی و شهری اطراف خود یکی شده بودند. بنابراین، در بیش‌تر دورهٔ قرون وسطی ایتالیا نه یک کشور متحد بلکه شامل گروهی از قلمروهای مستقل بود که هر کدام شکل حکومتی خودشان را داشتند. برای مثال، در جنوب پادشاهی ناپل تحت حاکمیت پادشاهان



غیرایتالیایی قرار داشت. ایالت‌های پاپی، در شمال ناپل، تحت کنترل سلسله پاپ‌ها، رؤسای اسمی کلیسای کاتولیک، بود. بر میلان، در شمال، حکومت تک نفره سلسله دوک‌ها حاکم بود. و در شمال و مرکز ایتالیا، دولت‌شهرهای در حال تکوین نظیر فلورانس و ونیز در حال شکل‌دهی به حکومت‌های جمهوری بودند که در آن‌ها افراد منتخب شورای حکومتی خود را برمی‌گزیدند. اوتوی فرایزینگی، نویسنده قرن دوازدهم، دولت‌شهرهای نوظهور در شمال ایتالیا را شرح داده است:

دولت‌شهرهای ایتالیا برای بقای اقتصادی خود به تجارت خارجی متکی بودند. تجار از بنادر پُر رونق ایتالیایی نظیر ونیز راهی شرق می‌شدند.

آن‌ها چنان به آزادی خود متکی‌اند که، برای پرهیز از گستاخی فرمانروایان، ترجیح می‌دهند که به جای شهریان، کنسول‌ها بر آن‌ها فرمان برانند.... از بیم آن‌که طمع قدرت آن‌ها [کنسول‌ها] را تسخیر نکند، تقریباً هر ساله آن‌ها را تغییر می‌دهند.<sup>۳</sup>

قدرت بسیاری از این دولت‌شهرهای نوظهور بر قابلیتشان در پیشبرد تجارت خارجی مبتنی بود. کشتی‌ها از بنادر ونیز در شمال شرقی، جنوآ و پیزا در شمال غربی، و ناپل و آمالفی



یک بازرگان ثروتمند ایتالیایی قرن پانزدهم در بندر به کالاها سرکشی می‌کند. ایتالیایی‌ها از راه تجارت خارجی با گنجینه سرشاری از آرا و عقاید فرهنگ‌های گوناگون آشنا شدند.



پس از آن که تجار ایتالیایی به واردات پشم و پارچه پرداختند، صنعت نساجی در ایتالیا رونق گرفت.

در جنوب، به طرف شرق به مقصد ساحل شمالی آفریقا حرکت می‌کردند، که ایتالیایی‌ها در آنجا طلا می‌خریدند، یا به شهرهای حاشیه ساحل شرقی دریای مدیترانه می‌رفتند که محل فروش اجناس تجملی خاور دور بودند. بازرگانان ایتالیایی می‌توانستند در قسطنطنیه، انطاکیه، بیروت، صور، عکا، و دیگر شهرهای شرقی، ابریشم، ادویه‌جات، کافور، مُشک، مروارید، و عاج بخرند که از سرزمین‌های دوردستی چون چین و هند آورده می‌شد.

برای این اجناس تجملی در بازارهای اروپای شمالی تقاضا بالا بود. کشتی‌های ایتالیایی به غرب، سپس شمال، به اسپانیا، هلند، و جزایر بریتانیا سفر

می‌کردند تا محموله‌های خود را به پادشاهان و اشراف ثروتمند یا دیگر بازرگانان بفروشند. کالاها از راه خشکی نیز از شبه جزیره ایتالیا به آلمان و فرانسه برای فروش حمل می‌شد. تجار ایتالیایی در سفر بازگشت از انگلستان و فلاندر، یک کنت‌نشین قرون وسطایی در شمال غربی اروپا، پشم خام و پارچه وارد می‌کردند که باعث رونق صنعت نساجی رو به رشد ایتالیا می‌شد. در قرن‌های بعدی، صنعتگران ایتالیایی، به ویژه در فلورانس، روش‌های رنگرزی، بافندگی، و پرداخت پشم را تکمیل کردند که باعث شد در سه قاره مرغوب‌ترین منسوجات از کار درآید و ثروت زیادی برای ایتالیا به همراه آورد.

### گنجینه سرشار آرا و عقاید

تجارت راه دور بر جنبه‌های غیرتجاری فرهنگ ایتالیا اثر گذاشت و ایتالیایی‌ها را با هنرها و علوم و فرهنگ‌های گوناگون آشنا ساخت. مثلاً، هنرمندان ایتالیایی تحت تأثیر هنرمندان بیزانسی قرار گرفتند که تا حد زیادی با کاشی کار می‌کردند و مُعَرَّق می‌ساختند. خطوط



دائته آلیگیری شاعر قرن سیزدهم غزل‌های عاشقانه  
برجسته‌ای سرود که مضمونشان عشق والا بود.

برجسته، آرایش هندسی نگاره‌ها، و فقدان عمق بصری و ویژگی آفرینش‌های آن‌ها را تشکیل می‌داد. سرانجام استادان بیزانسی در آکادمی‌های ایتالیا به تدریس مشغول شدند و به تزئین کلیساها در شهرهای عمده، نظیر سان آنجلو در رُم و سان مارکو در ونیز، پرداختند.

ایتالیایی‌ها در شرق با فرهنگ‌هایی نیز تماس پیدا کردند که نظام‌های علمی و فلسفی پیشرفته‌تری داشتند. تاریخدان دو لامار ژانسان می‌نویسد:

اعراب در علم و فلسفه هم‌تا نداشتند. آن‌ها در نجوم، جغرافی، پزشکی، و ریاضیات، به ویژه جبر و مثلثات، گام‌های بزرگی

برداشتند و اعداد «عربی» را از هند اخذ و به غرب ارائه کردند. آثار ارسطو و دیگر فیلسوفان یونانی را ترجمه و به موازات آثار خودشان مورد مطالعه قرار دادند، و تفسیرهای مفید از آثار دانشوران خبره اسپانیایی - عرب عرضه داشتند.<sup>۴</sup>

عقاید و سبک‌های دیگر از فرانسه به ایتالیا راه یافت که در آن زمان مرکز فرهنگی اروپا بود. هنرمندان، موسیقیدانان، و تجار ایتالیایی هنر و عقاید اروپای شمالی را با خود به همراه می‌آوردند، که مهم‌ترینشان ترانه‌ها و ادبیات در موضوع عشق والا بود. چنان که در قطعه زیر از یک شاعر گمنام، چنین اشعاری معمولاً به بانویی نمونه و دست‌نیافتنی تقدیم می‌شد:

در ستایشش می‌سرایم، اما  
زیبایی‌اش فراتر از آن است که وصف شود،



با چهره‌ای شاداب، چشمانی سرزنده،  
و پوستی سفید، نسوخته از آفتاب  
و نیالوده به سرخاب.  
چنان پاک و نجیب است که  
کسی را توان بدگویی از او نیست.  
اما فراتر از همه، به گمانم  
صداقتش را باید ستود  
و نزاکتش را  
و سخن پُرلطف و محبتش را،  
چرا که هرگز  
به دوستی بی‌وفایی نمی‌کند.<sup>۵</sup>

مضمون عشق والا به موضوع اشعار شاعران ایتالیایی در قرن‌های بعدی تبدیل شد. از جمله شاهکارهای دانته آلیگیری شاعر قرن سیزدهم و فرانچسکو پترارک نویسنده قرن چهاردهم اشعاری است که آن‌ها در وصف عشق‌های خود، بئاتریس و لورا، سروده‌اند. مهم‌تر از این موضوع، این واقعیت بود که ترانه‌ها و اشعار فرانسوی غالباً به زبان گفتاری مردم عادی و نه به لاتین، که زبان کلیسا و نخبگان فکری بود، نوشته می‌شدند. این امر ایتالیایی‌ها را ترغیب می‌کرد که به زبان مردم خود بنویسند و ادبیات مردم‌پسند خودشان را به وجود آورند.

### جنگ‌های صلیبی

در قرن‌های یازدهم، دوازدهم، و سیزدهم پیوندهای فرهنگی بین شرق و غرب که تجارت ایجاد کرده بود از راه نظامی تقویت شد. در سده‌های پیشین، شهرهای شرقی‌ای چون اورشلیم و بیت‌لحم که از نظر مسیحیان مقدس بودند تحت کنترل مسلمانان در آمده بودند. از ۱۰۹۶ تا ۱۲۹۱ سربازان مسیحی به یک رشته «جنگ‌های مقدس» موسوم به جنگ‌های صلیبی دست زدند تا این شهرها را در مشرق از حاکمیت مسلمانان خارج سازند. جیمز آ. براندریج می‌نویسد:

واقعیت این است که اکثر مسیحیان اروپایی حاکمیت غیرمسیحیان را بر این «مکان‌های

مقدس» و رفت و آمدشان را به آنجا زشت و ناخوشایند می‌دانستند که به عقیده آن‌ها در نظر خداگناه محسوب می‌شد.<sup>۶</sup>

صدها هزار مسیحی - اروپایی به فراخوان مقامات دینی و عرفی برای جنگ پاسخ دادند و بسیاری از این جنگجویان صلیبی از طریق ایتالیا، به ویژه ونیز، راهی خاورمیانه شدند، زیرا آن‌ها در ایتالیا می‌توانستند برای سفر خود کشتی اجاره کنند و ملزومات بخرند. خریدهای آن‌ها مبالغ هنگفتی به خزانه ایتالیا افزود و اقتصاد ایتالیا را باز هم بیش‌تر تقویت کرد. از آن مهم‌تر، جنگجویان صلیبی به ایتالیا کمک کردند که در شرق مراکز تجاری برپا دارد. اگر جنگجویان صلیبی پول برای پرداخت ملزومات نداشتند، در اکثر اوقات تجار و دیگر ایتالیایی‌های ثروتمند و قدرتمند پول و اجناس مورد نیاز آن‌ها را، در ازای حق تأسیس مناطق تجاری در شهرهایی که جنگجویان صلیبی تسخیر می‌کردند، در اختیارشان می‌گذاشتند. این مناطق شامل بازارها، لنگرگاه‌ها، و کلیساها می‌شد، که همه در کنترل شهری بود که پشتیبانی سربازان را بر عهده داشت. برای مثال، ونیز مرکزی را در اورشلیم اداره می‌کرد و جنوا در طرابلس. ایتالیایی‌ها، با پایگاه‌های تجاری دائمیشان در امتداد دریای مدیترانه، عملاً تجارت دریایی را در کنترل داشتند.



جنگ‌های صلیبی یک رشته جنگ‌های مذهبی بودند که هدفشان خارج کردن «ارض مقدس» از تسلط مسلمانان بود. جنگجویان صلیبی در ایتالیا ملزومات می‌خریدند و کشتی اجاره می‌کردند، که به اقتصاد شکوفای آن کمک می‌کرد.

## بانکداران اروپا

تجارت در حال گسترش نیاز فزاینده‌ای را به روش‌های نوآورانه بانکداری و کسب و کار به وجود آورد. ایتالیایی‌ها، به منظور تأمین بودجه سفرهای پُرهزینه به نقاط دور دست، نظام‌های اعتباری را توسعه دادند که به بازرگانان اجازه می‌داد برای تأمین بودجه فعالیت‌های تجاری خود پول قرض کنند، وام بدهند، یا به سرمایه‌گذاری مشترک بپردازند. آن‌ها روش‌های حسابداری بهتری را برگزیدند و بهتر توانستند برای کالاهای خود به بازارهای جدید دست یابند. آن‌ها همچنین نظامی را پدید آوردند که به تجار اجازه می‌داد کشتی‌ها و بارهایشان را در برابر از بین رفتن یا خسارت دیدن بیمه کنند.

ایتالیایی‌ها تا ۱۳۰۰ بر عرصه تجارت از لندن تا قسطنطنیه تسلط یافتند و تا اواسط قرن چهاردهم در بروژ [بندری در شمال بلژیک]، پاریس، و لندن مراکز بانکی تأسیس کردند. آن‌ها بودجه فعالیت‌های تجاری را تأمین می‌کردند و به پاپ‌های رُم و پادشاهان اروپا وام می‌دادند. بهره‌ای که از این وام‌ها دریافت می‌شد به دولت‌شهرهای ایتالیایی سرازیر می‌گردید و بر ثروت آن‌ها می‌افزود. توانایی بانکداران قدرتمند ایتالیایی در تأمین بودجه هر چیز، از سفرهای اکتشافی گرفته تا جنگ‌ها، آن‌ها را به بازیگران عمده در عرصه سیاست اروپای شمالی تبدیل می‌کرد.

از آن‌جا که ایتالیایی‌ها مایل بودند شراکت را به خویشاوندان خود محدود کنند، خاندان‌های ثروتمند بانکدار در این زمان پدیدار شدند. در فلورانس خاندان‌های باردی، پروزی، و آکچیائولی، و در لوکا خانواده ریکچیاردی ثروت زیادی اندوختند. برآمدن این خاندان‌ها یک پیش شرط دیگر قرون وسطی برای آماده کردن صحنه برای رنسانس بود. آن‌ها «مردان جدید» صاحب قدرت و ثروت بودند و نیازهایشان خط سیر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی را مشخص می‌کرد. به قدرت رسیدن آن‌ها نظم اجتماعی ایتالیا را تغییر داد.

بیش‌تر اروپا در قرون وسطی جامعه‌ای فئودالی شامل سه طبقه اصلی روحانیت، اشرافیت زمیندار، و زحمتکشان بود. زحمتکشان شامل هم صنعتگران شهری که پیشه‌وران ماهر بودند، و هم دهقانان روستایی که در زمین کشت و کار می‌کردند، می‌شدند. اما تا اواسط قرن یازدهم، بازرگانان و تجار راه دور گروه چهارمی را تشکیل دادند که تا قرن دوازدهم بانکداران را نیز شامل شد. این مردان، به ویژه در ایتالیا، می‌توانستند در مقابل

### شهر ونیز

ونیز در اواسط قرن سیزدهم یک مرکز تجاری پُر جنب و جوش بود. در کتاب هنری هارت با عنوان مارکوپولو: ماجراجوی ونیزی، مارتینو داکانال، تاریخ‌نگار قرن سیزدهم، به توصیف این شهر بندری می‌پردازد.

«ونیز امروزه زیباترین و دلپذیرترین شهر جهان است، سرشار از زیبایی و همه چیزهای خوب. کالاهای همچون آبی که از چشمه‌ها جاری است به این شهر باشکوه سرازیر می‌شود. ونیز بر پهنه دریا نشسته و آب شور به درون آن و اطراف آن و همه جا، بجز خانه‌ها و خیابان‌ها، جریان پیدا می‌کند و هنگامی که شهروندان به جایی می‌روند، می‌توانند از راه خیابان یا دریا به خانه‌هایشان بازگردند. کالاهای و بازرگانان از همه جا می‌آیند. بازرگانان هر کالایی را که بخواهند می‌خرند و آن را به کشورشان انتقال می‌دهند. در این شهر مواد غذایی، از نان و شراب گرفته تا مرغ خانگی و پرندگان آبی، گوشت تازه و نمک‌سود، و ماهی‌های بزرگ دریایی و رودخانه‌ای فراوان یافت می‌شود، و بازرگانی از کشورهای مختلف که به خرید و فروش می‌پردازند. در این شهر زیبا مردان با ادب و نزاکت، از پیر و جوان و میانسال، که به خاطر شخصیت شریفشان مورد ستایش بسیاریند فراوان پیدا می‌کنید، و بازرگانی که کارشان خرید و فروش است، و صرافان و شهروندانی با پیشه‌های گوناگون، و دریانوردانی از هر نوع، و کشتی‌هایی که به هر بندری کالا حمل می‌کنند، و کشتی‌های جنگی برای نابودی دشمنان.»

اشراف سنتی زمیندار بایستند. این ثروتمندان شهری تازه به دوران رسیده از طریق ترفندهای سیاسی، مبارزه آشکار با اشرافیت و ازدواج‌های مصلحتی قدرت کسب کردند. ازدواج بین ثروتمندان قدیم و جدید یکی از راه‌های حل مسأله‌آمیز اختلافات این دو طبقه بود. تاریخدانان می‌نویسند:

عقد ازدواج غالباً پشتوانه قراردادهای تجاری بین اشرافیت روستایی و بلندپایگان سوداپیشه بود. این درهم‌آمیزی اشرافیت فئودال شمال ایتالیا و بلندپایگان سوداپیشه به شکل‌گیری یک طبقه جدید اجتماعی، یعنی اشرافیت شهری، کمک کرد.<sup>۷</sup>

همین که این اشرافیت شهری پول و موقعیت اجتماعی – نه اشراف‌زادگی – کسب کرد به معیار قدرت تبدیل شد، چنان که این اثر چسکو آنجیولیبری شاعر قرن سیزدهم نشان می‌دهد:

هر موعظه‌ای که می‌خواهی بکن،



سفالگری کوزه‌ای گلی را روی چرخ می‌گرداند. از این ظروف سفالی استفاده‌های مختلفی می‌شد. در دوره قرون وسطی، زحمتکشان، از جمله صنعتگران ماهر، طبقه اجتماعی وسیعی را تشکیل می‌دادند.

بگذار چنین کسی بگوید: من مانند قارچ در تاریکی و باد سبز شده‌ام.<sup>۸</sup>

نوادگان ثروتمند و قدرتمند این بانکداران و بازرگانان دستاوردهای خود را به آشکالی شورانگیزتر از دفاتر حساب و کتاب به نمایش گذاشتند. احساس غرور و مباهات آن‌ها خود را از طریق هنر و فرهنگ متجلی ساخت. آن‌ها به منظور افزایش شکوه و افتخار خاندان‌ها و دولت‌شهرهای خود، که به شدت به آن‌ها وفادار بودند، به پشتیبانی از هنرمندان، موسیقیدانان، نویسندگان، و فیلسوفان پرداختند.

### کلیسای کاتولیک رم

با افزایش وفاداری به دولت‌شهرهای عُرفی و دستیابی بانکداران و بازرگانان به قدرت، کانون زندگی قرون وسطایی جایجا شد. تجار و بانکداران در سیاست عمومی در حوزه‌هایی که

فلورین [سکه طلا] بهترین خویشاوند است: برادر خونی و عموزاده واقعی، پدر، مادر، پسر، و دختر نیز؛ هیچ کس از داشتن چنین خویشاوندی پشیمان نمی‌شود، از اسب و قاطر و لباس زیبا نیز. فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها در برابرش گُرنش می‌کنند، اشراف‌زادگان و شوالیه‌ها و تحصیل‌کردگان نیز. فلورین چشمش را روشن می‌کند و به تو گرمی می‌بخشد، به تمام آرزوهایت جامه عمل می‌پوشد و تمام امکانات گسترده دنیا را در اختیار می‌گذارد. پس اگر کسی پول نداشته باشد، نمی‌گوید من اشراف‌زاده‌ام.

سابقاً به طور عمده در تسلط کلیسا بود صاحب نفوذ شدند و همین امر باعث تغییر در آموزش و پرورش گردید. در بخش عمده دوره قرون وسطی، کلیسا در امر آموزش از حق تقریباً انحصاری برخوردار بود و این عرصه به روحانیون اختصاص داشت. اما در اواخر قرن دوازدهم، گسترش تجارت تقاضا برای منشی‌ها و دفتردارها را به وجود آورد. در قرن سیزدهم دیگر مدارس حرفه‌ای غیردینی در حال تربیت دانش‌آموزان برای مشاغل دولتی و بازرگانی بودند.

پذیرش دانش‌آموزان غیرروحانی به مدارس ابتدایی و دانشگاه‌ها و شکل‌گیری برنامه آموزشی عرفی طیف گسترده‌تری از تجربیات آموزشی را در اختیار تعداد بیش‌تری از مردم قرار داد. این امر موجب کاهش کنترل کلیسا بر آموزش و پرورش شد و راه را برای دیگر برنامه‌های آموزشی عرفی که معرف رنسانس بودند هموار ساخت.



در بخش عمده دوره قرون وسطی، کشیشان (در تصویر) و دیگر اعضای روحانیت از جمله معدود کسانی بودند که به تحصیل دسترسی داشتند. این وضع در اواخر قرن دوازدهم، که افزایش سریع تجارت موجب نیاز به منشی‌ها و دفتردارها شد، تغییر کرد.

در اواخر قرن دوازدهم، کلیسا همچنان داشت قدرت و نفوذش را به خاطر عرفی‌سازی فزاینده از دست می‌داد. تا قرن دهم، کلیسا بزرگ‌ترین زمیندار اروپای غربی بود. قدرت نیز با ثروت همراه شده بود. تا قرن سیزدهم، پاپ‌های کاتولیک قادر بودند در جاهایی دور از رُم، نظیر انگلستان و فرانسه، مقامات کلیسایی را منصوب و از کشیش‌نشین‌های خارجی مالیات اخذ کنند. آن‌ها همچنین در سیاست‌های ایتالیا و اروپای شمالی دخالت می‌کردند و به پشتیبانی از جناح‌ها و رهبران مختلف می‌پرداختند.

دلمشغولی به ثروت حمایت مردمی کلیسا را تحلیل

بُرد. از اواخر قرن دوازدهم، دیگر مردم در سرتاسر اروپا مادیگری کلیسا را مورد انتقاد قرار می‌دادند. برخی از روی سرخوردگی به فرقه‌های مذهبی که در پی اصلاح یا سرنگونی کلیسای کاتولیک بودند، روی آوردند. دو تا از پرنفوذترین این گروه‌ها والدوسیان و آلبیگائیان بودند که در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم در فرانسه پدید آمدند و به شمال ایتالیا گسترش یافتند. والدوسیان به بی‌بندوباری اخلاقی و ثروت‌اندوزی روحانیت معترض بودند. آلبیگائیان علیه روحانیان موعظه می‌کردند و مدعی بودند که کلیسای کاتولیک را دنیاطلبی فاسد کرده است. پاپ اینوکتیوس سوم اعضای این دو گروه را بدعتگذار معرفی و در سال ۱۲۰۹ برضد آلبیگائیان اعلام جهاد کرد. جنوب فرانسه برای دو دهه صحنه قلع و قمع خونین آلبیگائیان به دستور کلیسا بود.

حتی کسانی که به کلیسا وفادار ماندند در جهت اصلاح تلاش می‌کردند. راهب ایتالیایی فرانسیس آسیزی، که در ۱۲۲۸ قدیس خوانده شد، به مادیگری کلیسا اعتراض و پیروانش را به فقر دعوت کرد. او در اوایل قرن سیزدهم نوشت:

برادران هیچ چیز را به خود اختصاص نمی‌دهند، نه خانه‌ای، نه جایی، نه چیز دیگری؛ بلکه همچون زائران و بیگانگان در این دنیا، در فقر و فروتنی به خداوند خدمت می‌کنند و با اطمینان خاطر به طلب صدقه و خیرات می‌روند.<sup>۹</sup>

### مقر پاپی در آوینیون و شقاق کبیر

حتی کسانی که در جنبش‌های اصلاح دینی دخالتی نداشتند نیز در نقش پاپ تردید کردند. پاپ بونیفاکیوس هشتم با فیلیپ چهارم پادشاه فرانسه بر سر قدرت سیاسی درگیر شد. پاپ خواستار سلطه کلیسا بر فرمانروایان عرفی اروپا، از جمله فرانسه، بود؛ و فیلیپ خواستار درجه‌ای از تسلط بر روحانیت در کشورش بود. برای مثال، فیلیپ خواستار حق گرفتن مالیات از روحانیون ثروتمند فرانسوی بدون نیاز به کسب اجازه از پاپ بود. ترفندهای سیاسی بسیار و حتی دشمنی آشکار بروز کرد. فرانسوی‌ها در ۱۳۰۳ بونیفاکیوس را مورد حمله قرار دادند و حتی برای اعدام او به تلاش ناموفقی دست زدند. بونیفاکیوس چند ماه بعد درگذشت و بندیکتوس یازدهم جانشین او شد که تنها چند ماه زنده ماند.

کلمنس پنجم جانشین بندیکتوس شد که در سال ۱۳۱۱ تسلیم خواست‌های فرانسوی‌ها

### فراخوان پاپ به جهاد

سربازان اروپایی در دوره قرون وسطی در جنگ‌های صلیبی شرکت کردند. رابرت مونک در نخستین جنگ صلیبی: گاهشمار فوشه از شارتر و دیگر منابع مرجع فراخوان به جهاد را که او از زبان پاپ اوربانوس دوم در ۲۶ نوامبر ۱۰۹۵ شنید خلاصه می‌کند.

«اورشلیم ناف دنیا است؛ این سرزمین از همه چیز گذشته مثل بهشت برین حاصلخیز و پربار است. منجی نوع انسان [عیسی مسیح] این سرزمین را با ظهورش بلند آوازه، با سکونتش زیبا، با رنجش متبرک، با مرگش رستگار، و با تدفینش ستوده و گرامی ساخته است. این شهر شکوهمند که در مرکز جهان واقع شده اکنون در اسارت دشمنان او و در انقیاد کسانی است که خدا را نمی‌شناسند و کافر و بت پرستند. اکنون این شهر در آرزوی رهایی است و از شما بی‌وقفه درخواست می‌کند که به یاری‌اش بشتابید. به خصوص از شما طلب یاری دارد، چرا که همان طور که شنیده‌ایم، خداوند افتخار بزرگ جهاد را فراتر از همه ملت‌ها به شما اعطا کرده است. از این رو، این سفر را به خاطر آموزش گناهانتان، و تضمین عظمت زوال‌ناپذیر پادشاهی آسمانی، در پیش گیرید.»

شد و مقر پاپی را از رُم به فرانسه انتقال داد، که آغاز دوره استقرار پاپ در آوینیون بود. شش پاپ بعدی در مجموع به مدت ۶۶ سال در آوینیون اقامت داشتند. سپس در سال ۱۳۷۷ پاپ گرگوریوس یازدهم مقر پاپی را به رُم بازگرداند و سال بعد، با درگذشت او، اوربانوس ششم جای او را گرفت.

شارل پنجم، پادشاه فرانسه، که از این انتقال ناراحت بود و نمی‌خواست اعتبار وجود مقر پاپی در فرانسه را از دست بدهد، از انتخاب پسر عمویش کلمنس هفتم به عنوان پاپ دوم حمایت کرد. در چهل سال بعدی دو پاپ (و در یک زمان، سه پاپ) مدعی مقام پاپی در اروپا بودند. انگلستان، بیش‌تر آلمان، ایتالیای شمالی و مرکزی، فلاندر، و ایرلند از اوربانوس حمایت می‌کردند. فرانسه، ناپل، سیسیل، اسپانیا، پرتغال، و اسکاتلند حامی کلمنس بودند. این «شفاق بزرگ» اروپا را تقسیم کرد و به مقام پاپی و کلیسا به شدت لطمه زد. پاپ‌ها به سبب واگذاشتن اقتدار سیاسیشان به پادشاهان فرانسه تحقیر شدند و قدرتشان کاهش یافت. با درهم ریختگی موقعیت کلیسا، پادشاهان شمال اروپا و طبقه بازرگانان در ایتالیا بر تحولات فرهنگی و سیاسی در مناطق خود تسلط بیش‌تری پیدا کردند. این به هم ریختگی، به همراه



تغییرات صورت گرفته در آموزش و فشار برای اصلاحات، به پدید آمدن جامعه‌ای بیش از پیش سکولار (عرفی) منجر شد، که مشخصه دیگر رنسانس بود.



طاعون خیارکی بین سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۵۱ اروپا و آسیا را درنوردید و ردی خانمان‌سوز از بیماری و مرگ برجای گذاشت. نتیجه آن کاهش جمعیت بود که تأثیرات اقتصادی گسترده‌ای داشت.

### جوئو دی بوندونه

حکایت‌های زیادی در باره نقاش جوئو دی بوندونه گفته شده است. در این یکی، که نویسنده دوره رنسانس جورجو وازاری در زندگانی هنرمندان آن را بازگو کرده است، علامت نجیب‌زادگی با علامت نظامی به عمد اشتباه گرفته می‌شود.

«آدم ناپخته‌ای آوازه او [جوئو] را شنیده بود و چون نیاز داشت که سپرش نقاشی شود... بی‌درنگ به کارگاه جوئو رفت... و جوئو را در آنجا یافت و گفت: 'استاد، زنده باشید. می‌خواهم که شما علامت مرا روی این سپر نقاشی کنید.' جوئو سراپای آن مرد را ورنانداز کرد و جز این چیزی نگفت که 'آن را برای کی می‌خواهید؟'... جوئو که تنها شد، با خودش فکر کرد: 'منظورش چی بود که... از من خواست علامت نجیب‌زادگی اش را نقاشی کنم؟ انگار که عضو دربار فرانسه است! حتماً برایش یک علامت نجیب‌زادگی استثنایی درست می‌کنم.'

و فکرهایش را که کرد، چیزی طراحی کرد که فکر می‌کرد مناسب است... نقاشی، یک کلاهخود کوچک، یک زره گردن، یک جفت بازوبند، یک جفت دستکش آهنی، یک جفت جوشن پشت و سینه و زره ساق‌بند، یک شمشیر، یک خنجر، و یک نیزه را نشان می‌داد. مرد متشخص که برگشت،... پرسید: 'استاد، سپرم نقاشی شد؟'... سپر را که آوردند، این نجیب‌زاده بعد از این... به جوئو گفت: 'این آت و آشغال‌ها چیه رویش کشیدی؟'... جوئو گفت: 'شما گفتید چی بکشم؟' و مرد پاسخ داد: 'علامتم.' جوئو گفت: 'خوب مگر همه‌اش این‌جا نیست؟'

### پیدایش طبقه متوسط

طاعون خیارکی نیز، که بین سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۵۱ اروپا را از پا درآورد، باعث تضعیف کلیسا شد. تنها در آلمان، کلیسا یک سوم کشیشانش را از دست داد. این طاعون سیاه، که قحطی و گرسنگی پیش‌درآمد آن بود، از شرق تا بنادر ایتالیا و از آنجا تا سرتاسر اروپا گسترش یافت. جوانی بوکاتچو گسترش طاعون را در سال ۱۳۴۸ چنین شرح می‌دهد:

این طاعون مرگ‌آور... چند سال پیش در بخش‌هایی از شرق ظاهر شده بود و پس از گرفتن جان تعدادی بی‌شماری از ساکنان آن، بی‌وقفه از جایی به جایی گسترش یافته بود، تا این‌که اکنون متأسفانه به اروپا روی آورده است.<sup>۱۰</sup>

گرچه پیش از آن مواردی از همه‌گیری طاعون رخ داده بود، هیچ کدام چنین مرگبار نبودند. برآورد می‌شود که اروپا بین سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ دو پنجم جمعیتش را از دست داد.

ایتالیا ۳۵ تا پنجاه درصد جمعیتش را از دست داد: جمعیت فلورانس از هشتاد هزار به سی هزار و پیستوتا از ۲۴ هزار به چهارده هزار نفر کاهش یافت، و سینا نیمی از جمعیتش را از دست داد.

کاهش ناگهانی جمعیت پیامدهای گسترده‌ای برای ایتالیا داشت. اشرافیت سنتی، که ثروتش در زمینداری گسترده بود، قدرتش را از دست داد. طاعون به معنای جمعیت کم‌تر و تقاضای کم‌تر برای مواد خوراکی بود و قیمت محصولات کشاورزی نحو چشمگیری سقوط کرد. در عین حال، دهقانان کم‌تری باقی ماندند که به کشت و کار در زمین بپردازند. بسیاری بر اثر ابتلا به طاعون جان باختند یا راهی شهرها شدند، که در آن‌ها به سبب مرگ پیشه‌وران ماهر مشاغل زیادی خالی مانده بود. دهقانانی که در روستا باقی ماندند، به سبب کاهش نیروی کار، می‌توانستند دستمزد بالاتری طلب کنند که در آن زمان اربابان زمیندار از عهده پرداخت آن برنمی‌آمدند.

طبقه کارگر شهری ایتالیا، که از پیشه‌وران ماهری چون نانوایان، شمع‌سازان، داروسازان، و بافندگان تشکیل می‌شد، اگر از طاعون جان سالم به در برده بودند، از آن سود بردند. از آن‌جا که تعدادشان کاهش و تقاضا برای کارشان افزایش یافته بود، می‌توانستند برای محصولات خود بهای بالاتری مطالبه کنند و بر شرایط بهتر کار اصرار ورزند. اتحادیه‌های صنفی در حکومت دولتشهرها قدرت بیش‌تری کسب کردند. تاریخدان دونالد کاگان می‌نویسد: «طبقات بازرگان و اعیان حفظ سلطه سنتی خود را به طور فزاینده‌ای دشوار یافتند و با اکراه به رؤسای اصناف در حکومت شهری حق مشارکت دادند.»<sup>۱۱</sup> طبقه کارگر به تازگی قدرتمند شهری رفته‌رفته با بازرگانان و بانکداران برضد اشرافیت سنتی متحد شد و طبقه متوسط نیرومندی را در ایتالیا به وجود آورد.

پیدایش طبقات بازرگان و متوسط، به همراه تضعیف اقتدار کلیسا، صحنه را برای رنسانس در ایتالیا مهیا ساخت. با فرو ریختن نظم کهنه و قدرت‌یابی نظم جدید، فرهنگ ایتالیا بی‌وقفه تغییر کرد. در آمیزی کهنه و نو به دلمشغولی دانشوران، هنرمندان، و اشرافیت شهری ایتالیا تبدیل شد. تلاش آن‌ها برای آشتی دادن سنت با نوآوری زمینه‌ساز آغاز رنسانس شد.



## رنسانس نخستین در فلورانس

رنسانس در فلورانس، دولت‌شهری شکوفا در شمال ایتالیا، آغاز شد. فلورانس از اواسط قرن چهاردهم تا اوایل قرن شانزدهم از مراکز پویا و خلاق هنر و معرفت بود. فلورانسی‌ها در نقاشی، مجسمه‌سازی، و معماری سرآمد بودند. بیش‌تر هنرمندان برجسته آن دوره یا در فلورانس متولد شدند یا بهترین آثارشان را در آن‌جا پدید آوردند، که از میان آن‌ها برنلسکی معمار، مازاتچو نقاش، و دوناتلو مجسمه‌ساز آثاری دارای اهمیت ماندگار آفریدند که به مشخصه رنسانس نخستین تبدیل شدند.

دانشوران فلورانسی نیز سهم مهمی در قواعد تاریخ، ادبیات، فلسفه اخلاق، حقوق، الهیات، و پزشکی داشتند. جوانی بوکاچو، که هم ادبیات عامه‌پسند و هم دانشورانه می‌نوشت، پسر یک تجارت‌پیشه فلورانسی بود و بیش‌تر زندگی‌اش را در آن شهر سپری ساخت. لئوناردو پرونو، دانشور، تاریخ‌نگار، و آموزگار، فلورانسی بود، همچنان که لئونه باتیستا آلبرتی، معماری که رساله‌هایی در باره هنر و معماری آن دوره نوشت. یکی از بزرگ‌ترین موسیقیدانان آن دوره آهنگساز گیوم دوفه بود که در فلورانس کار می‌کرد. این شهر با گنجینه سرشار استعدادهای بومی‌اش، که سرازیر شدن استعدادها نیز بر آن می‌افزود، به سرعت به کانون فعالیت‌های فرهنگی تبدیل شد.

این که چرا نوزایی در فلورانس آغاز شد و چرا بیش‌تر نوآوری‌های رنسانس نخستین در آن‌جا صورت پذیرفت از بسیاری جهات یک معماست. چنان‌که تاریخدان جیمز کیلو می‌نویسد:

فلورانس، حتی در باشکوه‌ترین روزگارش در قرن‌های پانزدهم و شانزدهم، هیچ‌گاه شهر اول ایتالیا نبود و هیچ امتیاز فوق‌العاده‌ای، طبیعی یا غیر آن، نداشت. برعکس، از میان شش بخش عمده سیاسی در ایتالیا در پایان قرون وسطی، به نظر می‌رسید از کم‌ترین مواهب برخوردار است. پادشاهی‌های سیسیل و ناپل از میراث فرهنگی و فکری به مراتب غنی‌تری برخوردار

بودند. ژم، برخوردار از سنت امپراتوری و مقرر سلسله پاپ‌های جاه طلب و قدرتمند، از دیرباز مدعی سلطه بر نه تنها ایتالیا بلکه تمام اروپا بود و گاهی نیز به آن دست یافته بود. ونیز و میلان هر دو از قدرت سیاسی و نظامی بیش تری برخوردار بودند. با این حال در فلورانس، و نه در خواهران آشکارا سعادتمندترش، بود که شکوه رنسانس قرار بود جوانه زند و به بار نشیند.<sup>۱۲</sup>

فلورانسی‌ها قادر بودند آنچه را در بعضی زمینه‌ها فاقد بودند با بهره‌برداری از مزیت‌های شهرشان جبران کنند. فلورانس، برخلاف بسیاری دولت‌شهرهای ثروتمند دیگر، شهری بندری نبود، بلکه از دریای مدیترانه حدود هشتاد کیلومتر فاصله داشت. اما در عوض، از آن‌جا که در منطقه‌ای تپه مانند در امتداد رودخانه آرنو واقع شده بود، از مزایای فراوان دسترسی به منبع آب شیرین برخوردار بود. آرنو تأمین‌کننده دائمی آب آشامیدنی فلورانس بود، چیزی که شهرهای غیر ساحلی نظیر سینا، پروجا، و کورتونا غالباً با کمبود آن مواجه بودند. ماهی رود آرنو بخش مهمی از خوراک فلورانسی‌ها را تشکیل می‌داد و آسیاب‌هایی که با نیروی آب رودخانه کار می‌کردند تأمین‌کننده آرد برای پخت نان بودند که یک غذای عمده دیگر این شهر بود. وضعیت بهداشتی در فلورانس نیز به سبب همجواری با رودخانه بهتر از شهرهایی چون سینا بود.

آرنو نقش عمده‌ای نیز در صنعت نساجی فلورانس بازی می‌کرد. شستشو، نم‌زدایی کردن (آب رفتن و فشرده شدن)، و رنگ کردن پارچه نیازمند وجود دائمی آب شیرین بود، که رودخانه تأمین می‌کرد. در نیمه قرن چهاردهم تقریباً یک سوم جمعیت صد هزار نفری فلورانس به کار تولید پارچه اشتغال داشتند. ریسندگان، بافندگان، رنگرزان، بازرگانان، و مغازه‌داران از جمله کسانی بودند که در صنعتی مشارکت داشتند که برابر تقریباً پنج میلیون دلار در سال برای شهر درآمد ایجاد می‌کرد.

آرنو به بازرگانان امکان دسترسی به بازارها را نیز برای کالاهایشان می‌داد. پایین دست رودخانه فلورانس را به دولت‌شهر پرورونق پیزا و دریا متصل می‌ساخت که راه‌های تجاری‌اش به شمال اروپا منتهی می‌شد. فلورانسی‌ها می‌توانستند از راه بالادست رودخانه به شهر آرتسو سفر کنند که ایستگاهی بر سر راه ژم بود.

منطقه توسکان در امتداد رود آرنو مزیت‌های جغرافیایی بیش تری برای فلورانسی‌ها داشت. راه‌های اصلی فلورانس را به میلان، ونیز، بولونیا، پروجا، و آسیزی متصل می‌کردند که همه مراکز مهم شهری ایتالیا بودند. راهی به سوی شرق از فراز کوه‌های آپنن به دریای آدریاتیک